

مقدمه

مسئله تغییرات در حوزه دین و دینداری، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های محققان علوم اجتماعی بوده است. همراه با طرح موضوع گذار جامعه ایران از مرحله سنتی به مدرن و جریان نوسازی در ایران (آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹؛ ساروخانی و صدقاتی‌فرد، ۱۳۸۸؛ موحد و شوازی، ۱۳۸۵) و عرفی شدن و دنیاگرایی ملازم با آن (آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۷)، یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی در جامعه‌شناسی دین در ایران، مسئله تغییرات دینداری از بعد نسلی است. این توجه، علاوه بر ضرورت‌های ایدئولوژیک و سیاسی، که ناشی از وقوع انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام اسلامی در ایران می‌باشد، نتیجه دلالت‌های کارکردی دین برای جامعه است.

عموماً مقوله تفاوت نسلی، یکی از مصادیق و توابع گذار جوامع، از صورت سنتی به شکل مدرن تصور می‌شود. در دو دهه اخیر، در پی روند عام نوسازی جهانی، جامعه ایران با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و طی فرایند نوسازی و در نتیجه، بهبود شاخص‌هایی چون گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، جوانی جمعیت، افزایش سطح ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید، مانند دانشگاه، با دگرگونی‌هایی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی مواجه بوده است. در این میان، جوانان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و منحصر به فرد خود، بیشتر در معرض فرایندهای تغییر قرار می‌گیرند و زودتر از نسل بزرگسال، دچار تغییر می‌شوند. در اثر این تجربه نسلی متفاوت، ارزش‌ها و نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوتی را در مقایسه با نسل بزرگسال، نسبت به ابژه‌های مختلف کسب می‌کنند.

بر پایه تحلیل‌های نظری، دینداری یکی از حوزه‌های اصلی است که در جوامع در حال گذار، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود. با توسعه نهادهای مدرن در جوامع در حال توسعه، نه تنها نسبت نهاد دین با سایر نهادهای اجتماعی دستخوش تحول می‌شود، بلکه مجموعه آگاهی‌های همراه با نهادهای مدرن سطح و شیوه دینداری افراد را نیز تغییر می‌دهد (برگر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۸۷-۸۹). براین اساس، انتظار می‌رود به لحاظ سطح دینداری، نوع و گرایش دینی، بین دو نسل بزرگسال و جوان در این جوامع، تفاوت وجود داشته باشد. بیشتر پژوهش‌های تجربی در ایران مؤید این ادعاست (طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۸۹؛ ربانی و صفایی‌نژاد، ۱۳۸۴؛ معیدفر، ۱۳۸۳).

جامعه‌شناسانی که در تبیین تغییرات فرهنگی و تفاوت‌های نسلی حاصل از آن، مسئله تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی و یا به عبارت دقیق‌تر، فرایند نوسازی را در کانون توجه خود قرار

دین و خانواده؛

بررسی تفاوت نسلی در دینداری در بین خانواده‌های روحانی و غیرروحانی شهر قم

محسن نیازی / استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، niazim@kashanu.ac.ir

محسن شاطریان / دانشیار جغرافیایی انسانی جمعیت‌شناسی دانشگاه کاشان، shaterian@kashanu.ac.ir

محمدامین پاکزمان قمی / دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان

pakzaman.amin@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۵/۴/۳ - پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۳۰

چکیده

یکی از مسائل اساسی جوامع در حال گذار، مسئله تغییرات دینداری از بعد نسلی است. در تبیین این مسئله، بیشتر تحقیقات صرفاً مبتنی بر رویکردهای ساختاری و کلان می‌باشند. این تحقیق علاوه بر توجه به رویکرد کلان، با تأکید بر پدیده‌های خرد دامنه، مانند خانواده و از طریق مقایسه خانواده‌های روحانی و غیرروحانی، در پی بررسی سهم مؤلفه‌های دینی خانوادگی در تبیین تفاوت نسلی از حیث دینداری است. در این پژوهش، از روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. از میان کلیه خانواده‌های روحانی و غیرروحانی شهر قم، که دارای حداقل یک فرزند ۱۸ تا ۲۹ سال بودند، تعداد ۳۹۰ نفر پدر و یک فرزند آن، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد علاوه بر رابطه معنادار تفاوت نسلی با متغیرهای توافق دینی والدین و درک از اهمیت دینداری برای پدر و اجتماعی‌کردن دینی، تفاوت نسلی از حیث دینداری در خانواده‌های روحانی، به طور معناداری کمتر از خانواده‌های غیرروحانی است.

کلیدواژه‌ها: تفاوت نسلی، دینداری، خانواده، روحانی، جامعه‌پذیری دینی.

می‌دهند، نظریه تغییر اجتماعی را مطرح می‌کنند. اینان با اتخاذ رویکرد کلان، بیشتر بر تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سستی و مدرن تأکید می‌ورزند (ر.ک: اینگلهارت، ۱۳۸۲؛ برگر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷۳).

اگر بپذیریم که رویکرد نظم و تغییر و نظریه‌های مربوط به آنها، دو روی یک سکه‌اند و عدم شناخت یکی، مانع شناخت درست دیگری است، از نگاه جامعه‌شناسی نظم، مسئله چگونگی انتقال آموزه‌های دینی، از نسل والدین به فرزندان و مکانیسم بازتولید فرهنگ دینی جامعه مطرح است؛ فرایندی که در تبیین تفاوت‌های نسلی در ایران، کمتر مورد توجه بوده است. این دو رویکرد، آنجا به هم می‌رسند که به زعم جامعه‌شناسان جوامع در حال گذار، یا جوامعی که تغییرات سریع اجتماعی را تجربه کرده‌اند، با مشکل چندگانگی ساختاری نهادی (ر.ک: چلبی، ۱۳۷۵) و یا به عبارت دیگر، با اختلال کارکردی نهادی مواجه شده، آژانس‌های جامعه‌پذیری در جهت متضاد عمل کرده و بازتولید فرهنگ جامعه با مشکل مواجه می‌شود.

به هر حال، چون جامعه‌پذیری فرایندی است که نسل‌های مختلف یک جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، بی‌شک توافق گسترده‌ای درباره اهمیت منحصر به فرد «خانواده»، به عنوان یک آژانس اجتماعی، که بخش قابل توجهی از فرهنگ را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند، وجود دارد (شرکات، ۲۰۰۳، ص ۱۵۵؛ مایرز، ۱۹۹۶).

همچنان که شرکات (۲۰۰۳) می‌گوید: آژانس‌های جامعه‌پذیری زمانی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند که یک منبع ارتباطی با ارزش برای افراد محسوب شده و مورد اعتماد آنها باشند. در این رابطه، کامرانی (۱۳۸۹) در قسمتی از تحقیق خود، با اشاره به تحقیقات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که بیشترین میزان احساس تعلق به گروه‌های نخستین و بیشترین میزان اعتماد به گروه‌های نخستین، همگی مربوط به خانواده و اعضای آن می‌باشد. همچنین، به نظر شرکات ترتیب و نظم زمانمند تماس با آژانس‌های جامعه‌پذیری، بسیار مهم است. چه بسا که درون داده‌های اولیه والدین، با ایجاد سوگیری‌ها و علقه‌های مذهبی، در هدایت ارتباطات متقابل فرد با افراد و سازمان‌های دیگر، در مراحل بعدی زندگی مؤثر باشد (شرکات، ۲۰۰۳، ص ۱۵۱).

در ایران، مطالعات اندکی درباره رابطه خانواده و مؤلفه‌های خانودگی با جامعه‌پذیری دینی انجام گرفته است. با این حال، در سایر کشورها مطالعات گسترده‌تری در این باره انجام گرفته است که بر این رابطه تأکید دارند. دی و همکاران (۲۰۰۹)، در مطالعه خود نشان می‌دهند که نزدیکی و کیفیت روابط زناشویی و نیز کیفیت روابط میان نوجوانان و والدین، به طور معناداری بر شدت عقاید و اعمال دینی

نوجوانان مؤثر است. همچنین، نوجوانانی که با هر دو والد بیولوژیک و ازدواج کرده خود، زندگی می‌کنند ۳۶ درصد بیشتر از نوجوانانی که در خانواده تک والدی زندگی می‌کنند، گرایش به عبادت و پرستش خدا دارند. بادر و دسموند (۲۰۰۶) نیز در تحقیقی نشان می‌دهند که وقتی والدین پیام‌های سازگار و یکپارچه‌ای به فرزندان ارائه می‌کنند. به عنوان مثال، به فرزندان می‌گویند که دین مهم است و خود نیز حضور مکرر در کلیسا دارند، فرایند انتقال دینی با احتمال بیشتری موفق خواهد بود، تا زمانی که تناقضی در این باره در حرف و عمل آنها وجود داشته باشد. فلور و همکاران (۲۰۰۱)، در مطالعه خود دو مدل رگرسیونی خطی سلسله‌مراتبی را به اجرا در آوردند. یک مدل، رفتارهای دینی نوجوانان و مدل دیگر، اهمیت دین برای آنها را پیش‌بینی می‌کرد. متغیرهای رفتارهای دینی والدین و انتظار آنها برای مذهبی بودن فرزندان، بیشتر واریانس‌ها را در دو مدل تبیین می‌کرد. توافق دینی والدین و صحبت کردن آنها در این باره نیز به طور معنادار، در تبیین واریانس در هر دو مدل مؤثر بود. نیلسن (۱۹۸۶)، در مقاله خود تأثیر سه متغیر ساختار فرقه‌ای، زمانه (اوضاع اجتماعی دهه ۵۰ میلادی و اکنون) و فرایندهای خانوادگی (نقش جنسیت و ترتیب ولادت) را بر جامعه‌پذیری دینی مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برگشتگی از دین، در بین فرقه‌های لیبرال پروتستان، بیش از گروه‌های محافظه‌کار پروتستان رخ می‌دهد. هانس برگر و براون (۱۹۸۴)، در تحقیق خود نشان می‌دهند پاسخ‌گویانی که در دوران کودکی‌شان در خانه، تأکید شدیدی بر دین داشته‌اند، احتمال بیشتری دارد که در آینده زیر چتر مذهبی دوران کودکی‌شان بمانند. درحالی‌که، کسانی که تأکید کمی را در این رابطه گزارش کرده‌اند، به احتمال بیشتر از دین بر می‌گردند.

به هر حال، تأکید بر اهمیت خانواده در تبیین تفاوت‌های نسلی، با توجه به تغییرات ساختی و کارکردی آن در جوامع در حال گذار، به لحاظ نظری از دو جهت قابل تأمل است: یکی اینکه در جوامع در حال گذار، اجتماعات به درجات مختلف در معرض تغییر بوده‌اند. خانواده نیز در اجتماعات مختلف باید به درجات مختلف در ساخت و کارکرد تغییر کرده باشد (سرایی، ۱۳۸۵). دوم و مهم‌تر اینکه، خانواده نهادی پایدار و پویا است که برای فائق آمدن بر مشکلات تطابق بیرونی و یگانش درونی، از انعطاف‌پذیری برخوردار است (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۷۹؛ سگالن، ۱۳۷۵، ص ۹۶).

بنابراین، مسئله کلی که اینجا مطرح است اینکه با توجه به تغییرات ساختاری کلان و تأثیرات دین زداینده آن در جامعه، آیا نهاد خانواده می‌تواند با توجه به ویژگی‌ها و کارکردهایش، در تعدیل وضعیت تغییرات دینداری از بعد نسلی و اجتماعی کردن دینی نسل جوان موفق باشد؟

بدین منظور، این تحقیق علاوه بر بررسی مؤلفه‌های دینی خانوادگی تأثیرگذار بر جانشینی بین نسلی دین، در پی مقایسه تفاوت نسلی از حیث دینداری در بین خانواده‌های روحانی و غیرروحانی نیز می‌باشد تا از این رهگذر، نقش ساختارهای خانوادگی را نیز در این زمینه مشخص نماید.

در مورد تفاوت خانواده‌های روحانیون و غیرروحانیون، اطلاعات اندکی در دسترس است. روحانیون به لحاظ ویژگی‌های شغلی و زیست اجتماعی خود، دارای ویژگی‌های اجتماعی و خانوادگی مشخصی هستند. اساساً هدف اصلی حوزه‌های علمیه و نقش روحانیون به عنوان کنشگران اصلی این میدان، تفسیر و تبلیغ رسمی دین سنتی در بین افراد جامعه است (میرزامحمدی و صحبت‌لو، ۱۳۸۶).

پژوهش انجام شده توسط *سراج‌زاده* و *محمدی* (۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که روحانیون تأکید خاصی بر معیارهای سنتی دین (اهمیت دادن به تمام ابعاد دینداری) دارند و تعریف و تلقی روحانیون از دینداری، یک تعریف جوهری یا ذاتی از دین است که با باور به موجودات متعال (خداوند و پیامبر و...) آغاز می‌شود، و به مجموعه‌ای از عواطف، مناسک، سلوک و رفتار شرعی و اخلاقی می‌انجامد. براین اساس، انتظار می‌رود روحانیون به عنوان مدافعان سنت دینی، دارای نگرش منفی‌تری در مقایسه با افراد دیگر، نسبت به عرفی شدن در سطح فردی و اجتماعی داشته باشند. همین نگرش می‌تواند در اهمیت دادن آنان به دینداری فرزندانشان و اجتماعی کردن دینی آنها جلوه‌گر شود. *سلیمانی* (۱۳۹۰)، نیز نشان می‌دهد که یکی از نکات بارز زندگی روزمره طلاب، «خانواده‌محور» بودن زندگی آنان و تراکم بالای روابط خانوادگی آنان است. طلاب متأهل، به صورت ملموسی از اختصاص دادن زمان زیاد و انرژی قابل ملاحظه برای توجه به فرزندان و تربیت آنان یاد می‌کنند.

بنابراین، این پژوهش علاوه بر طرح این سؤال اصلی و انضمامی که «آیا وضعیت تفاوت نسلی از حیث دینداری در خانواده‌های روحانی، متفاوت از خانواده‌های غیرروحانی است؟»، در پی پاسخ به این سؤال می‌باشد که «چه مؤلفه‌های دینی خانوادگی، با تفاوت نسلی از حیث دینداری رابطه دارند؟».

زمینه و چارچوب نظری

با توجه به اهداف تحقیق، برای تبیین موضوع از رویکردهای خرد و کلان، به صورت توأمان استفاده شده است. برای تبیین تفاوت نسلی و تغییرات دینداری از بعد نسلی، از نظریه *مانهایم* و برگر و برای تبیین نقش خانواده در تعدیل این وضعیت، از نظریه *گودنو* استفاده شده است.

مانهایم: نسل تاریخی

به نظر *مانهایم*، پدیده شکاف نسلی عمدتاً در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. در چنین دورانی، دسته‌های نسبتاً بزرگی از افراد به عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفسیرهای سنتی، به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌سازند. اعضای این دسته‌ها، هم در برابر نسل‌های پیشین و میراث‌های فرهنگی، هنجاری عرضه شده از سوی آنان و هم در برابر اعضای از نسل خودشان، که خود را وامدار نسل پیشین می‌دانند، می‌ایستند. بنابراین، بر اساس نظر *مانهایم*، تغییر اجتماعی رخ داده در بخش مهمی از نسل جوان‌تر، موجب امتناع، مخالفت و تغییر میراث فرهنگی ایجاد شده از نسل‌های کهن‌تر و پذیرفته شده از سوی بسیاری از معاصران آنان می‌شود (معدفر، ۱۳۸۳).

مانهایم، سهمی مهم در برجسته ساختن و نظام یافته کردن این ایده داشت که هر نسل، مهر خاص حوادث اجتماعی سیاسی دوره اصلی شکل‌گیری (جوانی) خود را بر پیشانی دارد؛ حادثی که طی این دوره تجربه می‌شوند، نفوذی قاطع و تعیین‌کننده در تمایز ایدئولوژیک و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتار بعدی اعضای یک نسل خواهد داشت (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵). براین اساس، تجربیات منحصر به فرد نسلی و هویت‌های برآمده از آن در هر جامعه، گرایش‌های فرهنگی هر نسل را شکل می‌دهد.

پیتر برگر: دنیوی شدن و و ضد دنیوی شدن

امروزه نظریات برگر، پیرامون نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی شناخت و دین، و به طور خاص، ایده «سکولاریزاسیون در دنیای مدرن» دور می‌زند. در واقع، جامعه‌شناسی دین او تلاشی است برای تبیین دین در عصر مدرنیته. برگر بر اساس یک مفروضه انسان‌شناختی معتقد است: «معناجویی» مختص موجود انسانی است و بر این نکته تأکید می‌کند که دین بستری برای معنابخشی به حیات جمعی است و بالاتر از آن، به شیوه‌ای مقدس، به انسان در تفسیر جهان و جایگاه خویش در آن یاری می‌رساند. به بیان دیگر، از نظر برگر، انسان مجبور است نظم معناداری بر واقعیت تحمیل کند. در همین جاست که انسان در پی «سایبان امنی» است که او را از آشوب و بی‌نظمی نجات دهد. دین «سایبانی» (یا چتری دامن گستر) از نمادهاست که برای یکپارچه کردن بخش‌های مختلف جامعه و نیز تجربیات مختلف افراد انسانی عرضه شده است (برگر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷۳).

از نظر برگر، این کارکرد دین در جوامع سنتی است. اما با تقسیم کار گسترده در جوامع جدید و تخصصی شدن امور و به وجود آمدن نهادها و ساختارهای اجتماعی جدید، زیست جهان‌های متعددی

بنابراین، علی‌رغم اینکه برگر یک رابطه عام میان تکثرگرایی و سکولاریزاسیون در نظر نمی‌گیرد، با این همه کماکان بر نقش تکثرگرایی در سکولاریزاسیون افراد، هرچند با تعدیلی در آن تأکید می‌کند، زیرا معتقد است که مدرنیزاسیون، جوامعی بس نامتجانس و جهش میان فرهنگی بزرگی پدیدآورده است که دو عاملی هستند که در جهت تکثرگرایی‌اند و نه استقرار انحصارات مذهبی.

گودنو: توافق بین نسلی

به نظر گودنو، والدین اهداف مختلفی مانند دستیابی به تحصیلات، کسب ویژگی‌های شخصیتی و ارزش‌های دینی و اجتماعی خاص، برای فرزندانشان در نظر می‌گیرند. یک موضوع عمل‌گرایانه برای والدین در این رابطه، این است که مؤثرترین استراتژی‌ها را برای توانا ساختن فرزندانشان برای دستیابی به این اهداف تشخیص دهند. گودنو (۱۹۹۲)، یک مدل دو مرحله‌ای برای توصیف فرایند پذیرش و طرد اعتقادات و ارزش‌های والدین توسط فرزندان مطرح می‌کند. گودنو معتقد است فرزندان: ۱. پیش از پذیرش و طرد اعتقادات والدین باید که در وهله اول، درک درستی از اعتقادات والدین‌شان پیدا کنند؛ ۲. صحت ادراک فرزندان و پذیرش اعتقادات والدین، تحت تأثیر عامل‌های متفاوتی خواهد بود. ۳. فقدان توافق والدین - فرزندان، ممکن است ناشی از ادراک غلط یا رد ادراک صحیح باشد. بر اساس نظر گودنو، صحت ادراک فرزندان از اعتقادات والدین، اساساً تحت تأثیر وضعیت‌هایی است که فرزندان این ارزش‌ها و اعتقادات را کسب می‌کنند. برای نمونه، وضوح، صراحت و یا فراوانی پیام والدین (گودنو، ۱۹۹۲، ص ۲۹۶).

برای فهم اینکه چگونه فرزندان ادراک صحیحی از اعتقادات والدین‌شان پیدا می‌کنند، باید در پی شناسایی وضعیت‌هایی بود که بر ویژگی‌های پیام تأثیر می‌گذارد. برای مثال، وضوح پیام ممکن است با میزانی که والدین به طور مشخص، گویا و مستقیم اعتقاداتشان را بیان می‌کنند، مرتبط باشد. گویایی و مشخص بودن پیام والدین، ممکن است تابعی از تعداد شیوه‌های متفاوتی باشد که والدین ارزش‌ها یا اعتقاداتشان را به فرزندان منتقل می‌کنند (اکاگاکاکی و همکاران، ۱۹۹۹).

گودنو و گروسک (۱۹۹۴) و گودنو (۱۹۹۲)، ادعا می‌کند که پذیرش اعتقادات والدین با عواملی چون: ۱. ادراک فرزندان از تناسب پیام؛ ۲. انگیزش فرزندان برای هم‌نوايي با اعتقادات والدین؛ ۳. فهم فرزندان از میزانی که والدین می‌خواهند فرزندان در ارزش‌هایشان با آنها سهیم باشند، مرتبط است. مناسب بودن و به جا بودن پیام‌های (ارزش‌ها) والدین، از نظر فرزندان اثر مستقیم بر جامعه‌پذیری آنان دارد.

در جامعه شکل می‌گیرد. با چندگانه شدن زیست جهان‌های اجتماعی، وظیفه قدیمی دین، یعنی ایجاد چتری فراگیر از نهادها، برای یکپارچگی با معنای جامعه، به طور جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد. از این پس، بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی، تحت اداره معانی و نظام‌های معنایی کاملاً ناسازگار در می‌آیند. برای سنت‌های دینی و نهادهای نماینده آنها، نه تنها یکپارچه‌سازی این کثرت جهان‌های زیست اجتماعی، در قالب جهان‌بینی واحد و جامع دینی، بیش از پیش به طور جدی دشوار می‌شود، بلکه حتی اصولاً مقبولیت تعاریف دینی از واقعیت، از درون، یعنی درون آگاهی شخصی فرد، زیر سؤال می‌رود. تا زمانیکه نهادهای دینی عملاً دربرگیرنده تمامی بخش‌های با معنای تجربه زندگی اجتماعی فرد بودند، این تجربه، کلاً در خدمت تأیید موجه بودن نمادهای دینی بود. به بیان ساده‌تر، فرد تقریباً با هر کس در زندگی روزمره خود روبه‌رو می‌شد، نمادهای فراگیر یکسانی را تصدیق می‌کرد و با این کار خود، بر اعتبار این نمادها صحه می‌گذاشت. در وضعیت حاکی از وجود چندگانگی، این عمل دیگر بی‌معناست. به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد به ناگزیر با دیگرانی مربوط می‌شود که به باورهای او اعتقادی ندارند و معانی، ارزش‌ها و اعتقادات متفاوت و گاه، متضادی بر زندگیشان حاکم‌اند. در نتیجه، جدا از سایر عوامل مؤثر در این راستا، چندگانگی نیز تأثیری دین‌زداینده دارد؛ یعنی چندگانه شدن تسلط دین بر جامعه و فرد را سست می‌کند (همان، ص ۸۷).

اما بعدها برگر، در ادامه مطالعات و مشاهدات خود، به نقد نظریه سکولار شدن می‌پردازد. به نظر او، مدرن شدن عوارض سکولار کننده‌ای به همراه داشته، ولی جنبش‌های نیرومند ضدسکولاری را هم برانگیخته است. همچنین، به زعم او سکولار شدن جامعه، لزوماً به سکولار شدن فرد نمی‌انجامد (برگر، ۱۳۸۳، ص ۴۴). برگر، امتناع و سازگاری را دو استراتژی می‌داند که در برابر اجتماعات مذهبی در جهانی که سکولار تصور می‌شود، وجود دارد: برخی مدرن بودن را دشمنی دانسته‌اند که به هر طریق ممکن، باید با آن مبارزه کرد. بعکس، برخی دیگر مدرن بودن را جهان‌بینی شکست‌ناپذیری یافته‌اند که باورها و مناسک دینی باید خود را با آن سازگار کنند. به نظر برگر، نگاهی به دین در صحنه بین‌المللی نشان می‌دهد که تقریباً همه‌جا جنبش‌های دینی محافظه‌کار و ارتدکس در حال سر برآوردن هستند (همان، ص ۴۵ و ۴۷). وجود این جنبش‌های دینی محافظه‌کار، این نظر را که مدرن شدن به طور غیرقابل اجتنابی به سکولار شدن می‌انجامد، رد می‌کند. برگر در تبیین این وضعیت معتقد است: مدرن بودن پایه‌های یقین را سست می‌کند و شک حالتی است که بسیاری از مردم تاب تحمل آن را ندارند. هر جنبشی که وعده ایجاد یا تجدید یقین را بدهد، بازار آماده‌ای در اختیار خواهد داشت (همان، ص ۴۸).

فرضیه ۵: بین توافق دینی والدین و تفاوت نسلی از حیث دینداری، رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود هرچه توافق دینی والدین بیشتر باشد، تفاوت نسلی کمتر باشد.

فرضیه ۶: بین اهمیت دینداری برای پدر و تفاوت نسلی از حیث دینداری، رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود هر چه فرزندان دینداریشان را برای پدر با اهمیت‌تر درک کنند، تفاوت نسلی کمتر باشد.

روش پژوهش

از آنجایی که این تحقیق، صبغه نظریه‌آزمایی دارد، کارآمدترین روش برای انجام این تحقیق، روش پیمایشی است. تشخیص میزان دینداری، به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، به عنوان یک شیوه رایج، امکان‌سنجش «ابعاد» و «آثار و نشانه‌های» دینداری را فراهم می‌آورد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

جمعیت این تحقیق را کلیه خانواده‌های ساکن در شهر قم اعم از روحانی و غیرروحانی تشکیل می‌دهند. مرکز آمار ایران، پس از سرشماری سال ۹۰، تعداد کل خانواده‌های شهر قم را ۲۹۹۷۵۲ خانوار گزارش کرده است که همین تعداد مبنای نمونه‌گیری قرار گرفت. از آنجایی که جامعه آماری این تحقیق، در سطح شهر قم پراکنده بودند، در این تحقیق بنا به ضرورت از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه آماری این تحقیق ۳۸۴، خانوار تعیین شد، ولی در نهایت با توجه به ریزش احتمالی نمونه، تعداد ۳۹۰ خانوار به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. از این تعداد، ۱۳۰ خانواده روحانی و ۲۶۰ خانواده غیرروحانی در نمونه تحقیق قرار داشتند.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. دو پرسش‌نامه طراحی گردید: یکی برای فرزندان (۱۸ تا ۲۹ سال) خانواده و یکی برای پدران خانواده. در پرسش‌نامه فرزندان، سنجه‌های مربوط به دینداری و ادراک از اهمیت دینداری برای پدر و در پرسش‌نامه پدران نیز سنجه‌های مربوط به دینداری، اجتماعی کردن دینی و توافق دینی والدین قرار داشت.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم پژوهش

دینداری به بیان کلی، یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش فرد را متأثر می‌سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). دینداری، اساساً یک مفهوم چند بعدی است که در این تحقیق، بنا به مدل سنجش دارای چهار بعد است:

اما برای ارائه پاسخی نظری به پرسش‌های تحقیق و سپس، آزمون تجربی آن، لازم است با بررسی شرایط اجتماعی و خانوادگی جمعیت مورد مطالعه و انطباق آن با نظریات مطرح شده، دلالت‌هایی را برای توضیح تفاوت و توافق نسلی از حیث دینداری در جمعیت مورد بررسی به دست آوریم. از آنجاکه جامعه ایران، با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و طی کردن روند نوسازی و در نتیجه، بهبود شاخص‌هایی چون افزایش سطح ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید، مانند دانشگاه (با محتوای سکولار و اومانیستی)، با دگرگونی‌هایی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی مواجه بوده است و همچنین، از آنجاکه جوانان بنا به الزامات زندگی فردی و اجتماعی، زودتر و بیشتر در معرض فرایندهای تغییر و زندگی در زیست جهان‌های متکثر قرار می‌گیرند، طبق نظر مانهایم و برگر، فرض ما این است که دینداری فرزندان به طور کل، کمتر از دینداری پدران باشد. اما از آنجاکه برگر، یک رابطه عام و خطی را بین تکثرگرایی و عرفی شدن در نظر نمی‌گیرد، با توجه به ارزش‌های مسلط بر زیست اجتماعی روحانیون، انتظار می‌رود روحانیون، به عنوان مدافعان سنت دینی، نگرش منفی‌تری نسبت به عرفی شدن در سطح فردی و اجتماعی، در مقایسه با غیر روحانیون داشته باشند. همین نگرش منفی می‌تواند در اهمیت دادن آنها به دینداری فرزندان‌شان و جامعه‌پذیری دینی آنها جلوه‌گر شود. بنابراین، طبق نظر گودنو، انتظار می‌رود هم دینداری فرزندان روحانی، بیشتر از غیرروحانی باشد و هم تفاوت نسلی در خانواده‌های روحانی کمتر باشد. دلالت‌های نظری برای اجتماعی کردن دینی، ادراک فرزندان از اهمیت دینداری برای پدر و توافق دینی والدین، به عنوان مؤلفه‌های دینی خانوادگی که به نظر می‌رسد موجب انتقال دینداری پدران به فرزندان شود، از نظریه گودنو اخذ گردید.

فرضیات تحقیق

فرضیه ۱: بین دینداری دو نسل فرزندان و پدران تفاوت وجود دارد. انتظار می‌رود دینداری فرزندان کمتر از پدران باشد.

فرضیه ۲: بین دینداری فرزندان خانواده‌های روحانی و غیرروحانی تفاوت وجود دارد؛ انتظار می‌رود دینداری فرزندان روحانی، بیشتر از فرزندان غیرروحانی باشد.

فرضیه ۳: تفاوت نسلی از حیث دینداری در خانواده‌های روحانی، کمتر از خانواده‌های غیرروحانی است.

فرضیه ۴: بین اجتماعی کردن دینی و تفاوت نسلی از حیث دینداری رابطه وجود دارد. انتظار می‌رود هر چه اجتماعی کردن دینی بیشتر باشد، تفاوت نسلی کمتر باشد.

بعد اعتقادی: بر اساس آموزه‌های اسلامی، «عقیده» محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی و مسائل غایی حیات است.

بعد عبادی: منظور از «عبادیات»، کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پرستش، نسبت به معبود خویش به انجام می‌رساند. عبادت، می‌تواند به صورت فردی یا جمعی اجرا شود.

بعد اخلاقی: نواصی و نواهی دینی، مربوط به حوزه نیکویی‌شناسی را «اخلاق» می‌گویند و آن به داشتن تعامل پسندیده با دیگران مربوط می‌شود (همان، ص ۵۹).

بعد شرعی: «شریعت»، مجموعه دستورات و اوامر صریح و غیرصریح (مستنبط) دینی است که در اسلام، «فقه» خوانده می‌شود. شریعات مقرراتی است حداقلی که نحوه زندگی در دنیا و تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می‌کند. لذا «متشرع بودن» بر حسب میزان اهتمام و پیروی فرد از این دستورات سنجیده می‌شود (همان، ص ۶۰). دینداری در این تحقیق، به وسیله سنجه‌ای اندازه‌گیری می‌شود که بر پایه مدل سنجش دینداری شجاعی‌زند ساخته شده است. در این مدل، چهار بعد اعتقادی، اخلاقی، شرعی و عبادی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. هر پاسخ‌گو، نظر خود را درباره هر گویه روی یک طیف شش قسمتی از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۵) نشان می‌دهد.

تفاوت نسلی از حیث دینداری، از طریق محاسبه تفاوت دینداری فرزندان و والدین به دست می‌آید. تفاوت نسلی، به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری ما بین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان، متأثر از ساختارهای اجتماعی فرهنگی و تاریخی است (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷). براین اساس، تفاوت نسلی از حیث دینداری به تفاوت‌های دانشی و گرایشی و رفتاری از حیث دینداری میان دو نسل اشاره دارد. محاسبه این متغیر، بدین صورت است که قدر مطلق تفاضل نمره پدران و فرزندان را در هر گویه، مربوط به سنجه دینداری محاسبه کرده، سپس میانگین این قدر مطلق‌ها را محاسبه می‌کنیم. عدد به دست آمده، به معنای اندازه تفاوت نسلی از حیث دینداری در هر خانواده است.

اجتماعی کردن دینی، فرایندی است که طی آن ارزش‌ها و باورهای دینی یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌یابد. در این تحقیق، سه بعد برای اجتماعی کردن دینی مشخص شده است: نظارت دینی خانوادگی، اهداف والدین و استراتژی‌های جامعه‌پذیری (اکاگاکي و همکاران، ۱۹۹۹). نظارت دینی خانوادگی عبارت است از: میزانی که والدین احساس می‌کنند که فرزندان باید از دستورات و راهنمایی‌های آنان، در مورد اعتقادات و موضوعات دینی پیروی کنند (هوک

و همکاران، ۱۹۷۸). اهداف والدین عبارت است از: میزانی که والدین می‌خواهند فرزندانشان اعتقادات آنها در مورد دین را بپذیرند (اکاگاکي و همکاران، ۱۹۹۹). استراتژی‌های جامعه‌پذیری عبارت است از: اعمال و روش‌هایی که والدین برای تعلیم و تربیت دینی فرزندانشان به کار می‌گیرند. این روش‌ها، به مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. روش‌های مستقیم، شامل توضیح دادن و شرح دادن است و روش‌های غیرمستقیم، شامل تشویق کردن و حمایت کردن است (همان). در مجموع، برای سنجش متغیر اجتماعی کردن دینی، از چهارده گویه محقق ساخته استفاده شد. پدران نظر خود را درباره هرگویه، روی یک طیف شش قسمتی از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۵) ارائه دادند.

توافق دینی والدین، به معنی توافق والدین بر سر ارزش‌ها، اعتقادات و مناسک دینی است (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸). این متغیر، توسط سنجه محقق ساخته با ۵ گویه عملیاتی و اندازه‌گیری شد. پدران نظر خود را درباره هرگویه روی یک طیف پنج قسمتی از اصلاً (۰) تا خیلی زیاد (۴) مشخص کردند. ادراک از اهمیت دینداری برای پدر، به این معنی است که فرزندان تا چه حد درک کرده‌اند که اعتقادات و اعمال دینی آنان، برای پدران مهم است (اکاگاکي و همکاران، ۱۹۹۹). این متغیر، توسط سنجه محقق ساخته، با ۴ گویه، اندازه‌گیری شد. فرزندان نظر خود را درباره هر گویه، روی یک طیف شش قسمتی از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۵) مشخص کردند.

اعتبار و پایایی

برای افزایش اعتبار سنجه‌های تحقیق، از روش اعتبار محتوا استفاده شد؛ به این معنا که شاخص‌های ساخته شده برای متغیرهای پژوهش، مورد مطالعه و بررسی و اظهار نظر استادان و پژوهشگران مرتبط با موضوع قرار گرفت و نظرات اصلاحی آنان اعمال گردید. برای افزایش پایایی نیز سعی شد با جمله‌بندی دقیق سؤالات و آموزش پرسش‌گران، از ابهام سؤالات برای پاسخگویان کاسته شود. در نهایت، برای آزمون پایایی ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول ۱. محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

میزان آلفا	تعداد گویه	سنجه
۰/۸۸	۲۹	دینداری
۰/۷۹	۱۴	اجتماعی کردن دینی
۰/۷۱	۵	توافق دینی والدین
۰/۷۳	۴	ادراک از اهمیت دینداری برای پدر

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیت نمونه

در نمونه مورد مطالعه، میانگین سن پدران برابر با ۵۲/۰۸ و میانگین سن فرزندان برابر با ۲۲/۴۸ بوده است. همچنین، از میان فرزندان، ۴۸/۷ آنها دختر و ۵۱/۳ درصد آنها پسر بوده‌اند. در ارتباط با وضعیت تأهل پدران، ۹۶/۹ درصد متأهل، ۲/۶ درصد بی‌همسر به دلیل فوت و ۰/۵ درصد، بی‌همسر به دلیل طلاق بوده‌اند. در ارتباط با وضعیت تأهل فرزندان، ۷۸/۵ درصد مجرد، ۲۰/۵ درصد متأهل و ۱ درصد بی‌همسر به دلیل طلاق بوده‌اند.

یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی

یافته‌های توصیفی در خصوص متغیرهای مستقل تحقیق، حاکی از این است که فرایند اجتماعی کردن دینی و توافق دینی والدین، که توسط پدران گزارش شده است، به طور متوسط در خانواده‌های روحانی بیشتر از خانواده‌های غیرروحانی است. گرچه این تفاوت اندک است. مقدار میانگین متغیر اجتماعی کردن دینی، برای خانواده‌های روحانی و غیرروحانی به ترتیب، برابر با ۷۳/۴۸ و ۷۲/۹۱ و مقدار میانگین متغیر توافق دینی والدین برای این خانواده‌ها به ترتیب، برابر با ۸۰/۲۵ و ۸۰ می‌باشد. همچنین، فرزندان در خانواده‌های روحانی، به طور متوسط در مقایسه با فرزندان در خانواده‌های غیرروحانی، اهمیت دیندار بودنشان را برای پدرانشان بیشتر درک کرده‌اند. مقدار میانگین برای خانواده‌های روحانی و غیرروحانی به ترتیب، برابر با ۷۴/۱۹ و ۶۹/۲۸ می‌باشد.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق به صورت کل و به تفکیک خانواده

متغیر	روحانی		غیرروحانی		کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
اجتماعی کردن دینی	۷۳/۴۸	۸/۷۲	۷۲/۹۱	۹/۵۴	۷۳/۱۱	۹/۲۷
توافق دینی والدین	۸۰/۲۵	۲/۵۲	۷۹/۸۵	۳/۰۷	۸۰	۲/۸۹
ادراک از اهمیت دینداری برای پدر	۷۴/۱۹	۳/۲۸	۶۹/۲۸	۳/۳۴	۷۰/۸۵	۳/۳۳

اما در خصوص متغیرهای وابسته، یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میزان دینداری فرزندان، با میانگین ۷۹/۴۷ به طور متوسط کمتر از میزان دینداری پدران، با میانگین ۸۴/۷۱ می‌باشد. همچنین، یافته‌ها حاکی از این است که فرزندان در خانواده‌های روحانی، به طور متوسط از فرزندان در خانواده‌های غیرروحانی دیندارترند. بررسی وضعیت تفاوت نسلی بین دو خانواده

نیز نشان می‌دهد که تفاوت نسلی در خانواده‌های روحانی، با میانگین ۱۲/۹۵ در مقایسه با خانواده‌های غیرروحانی، با میانگین ۱۶/۱۹ به طور متوسط کمتر است. معناداری یا عدم معناداری این تفاوت‌ها را یافته‌های استنباطی مشخص خواهد نمود.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای وابسته تحقیق به صورت کل و به تفکیک خانواده

متغیر	روحانی		غیرروحانی		کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دینداری فرزند	۸۳/۲۱	۷/۸۴	۷۷/۶۰	۹/۹۸	۷۹/۴۷	۹/۶۹
دینداری پدر	۸۷/۶۷	۶/۴۵	۸۳/۲۳	۹/۰۷	۸۴/۷۱	۸/۵۴
تفاوت نسلی	۱۲/۹۵	۶/۶۰	۱۶/۱۹	۷/۷۷	۱۵/۱۱	۷/۵۵

یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیات)

یافته‌های استنباطی مرتبط با فرضیات مقایسه‌ای در جدول ۴ ارائه شده است. برای مقایسه دینداری فرزندان و والدین و تعیین معنی‌داری تفاوت مشاهده شده از آزمون t وابسته استفاده شده است. با توجه به مقدار به دست آمده برای این آزمون ($t=9/99$)، و نیز سطح معناداری آن ($P<0/01$) می‌توان گفت: تفاوت مشاهده شده از حیث دینداری، بین پدران و فرزندان به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، فرضیه اول تأیید گردید. برای آزمون فرضیه دوم و مقایسه دینداری فرزندان در خانواده‌های روحانی و غیرروحانی، از آزمون t مستقل استفاده شده است. مقدار به دست آمده برای این آزمون ($t=-5/59$) و نیز سطح معناداری آن ($P<0/01$)، حاکی از معنادار بودن تفاوت مشاهده شده، میان دینداری فرزندان خانواده‌های روحانی و غیرروحانی است. شاخص اتا ۰/۲۷۵ نیز نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده از حیث دینداری، با نوع خانواده رابطه دارد. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید گردید. برای آزمون فرضیه سوم، از آزمون t مستقل استفاده شده است. مقدار به دست آمده برای این آزمون ($t=-4/07$) و نیز سطح معناداری آن ($P<0/01$)، حاکی از این است که به طور معنادار تفاوت نسلی در خانواده‌های روحانی، کمتر از خانواده‌های غیرروحانی است. شاخص اتا ۰/۲۱۰ نیز نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده میان دو خانواده از حیث تفاوت نسلی، با نوع خانواده رابطه دارد.

جدول ۴. آزمون فرضیات مقایسه‌ای تحقیق

فرضیات مقایسه‌ای	t	eta	df	sig
(۱) مقایسه دینداری فرزندان و والدین	۹/۹۹	-----	۳۸۹	۰/۰۰۱
(۲) مقایسه دینداری فرزندان در خانواده‌های روحانی و غیرروحانی	-۵/۵۹	۰/۲۷۵	۳۸۸	۰/۰۰۱
(۳) مقایسه تفاوت نسلی در خانواده‌های روحانی و غیرروحانی	۴/۰۷	۰/۲۱۰	۳۸۸	۰/۰۰۱

اما اجرای مدل رگرسیونی در خانواده‌های غیرروحانی، نشان می‌دهد که طی دو گام به ترتیب، متغیرهای اهمیت دینداری برای پدر و توافق دینی والدین وارد مدل شده‌اند. در گام نخست، اثر اهمیت دینداری برای پدر، بر تفاوت نسلی ۰/۲۳۴- است که در گام دوم، با ورود متغیر توافق دینی والدین، این مقدار به ۰/۱۸۹- تقلیل پیدا می‌کند. اثر متغیر توافق دینی والدین نیز بر تفاوت نسلی در گام دوم ۰/۱۸۴- است. در گام اول، ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد که اهمیت دینداری برای پدر، توانایی تبیین ۰/۰۵۱ از تغییرات تفاوت نسلی را در این خانواده‌ها دارد. در گام دوم، با ورود متغیر توافق دینی والدین، به مدل ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد که این دو متغیر، در مجموع توانایی تبیین ۰/۰۷۹ از تغییرات تفاوت نسلی را دارند. با توجه به مقدار F و سطح معناداری در دو مدل می‌توان گفت: در هر دو گام مدل توانایی پیش‌بینی و تبیین واریانس تفاوت نسلی را دارد.

جدول ۷. مدل پیش‌بینی تفاوت نسلی از حیث دینداری بر اساس متغیرهای مستقل برای خانواده‌های روحانی

مدل	متغیر	B	Beta	sig	R	R2	R2adjusted	F	sig
۱	اهمیت دینداری برای پدر	-۰/۵۴۳	-۰/۲۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۳۴	۰/۰۵۵	۰/۰۵۱	۱۴/۹۴۲	۰/۰۰۰
	اهمیت دینداری برای پدر	-۰/۴۳۹	-۰/۱۸۹	۰/۰۰۲	۰/۲۹۴	۰/۰۸۶	۰/۰۷۹	۱۲/۱۵۵	۰/۰۰۰
۲	توافق دینی والدین	-۰/۴۶۶	-۰/۱۸۴	۰/۰۰۳					

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله، با مقایسه خانواده‌های روحانی و غیرروحانی، سعی در بررسی نقش خانواده و مؤلفه‌های دینی خانوادگی مرتبط با تفاوت نسلی از حیث دینداری داشت. به لحاظ نظری، از دو رهیافت خرد و کلان استفاده شد. دلالت‌های نظری برای تبیین تفاوت نسلی و نیز تغییرات دینداری از بعد نسلی، از نظریه نسل تاریخی *مانهایم* و نظریه سکولاریزاسیون برگر اخذ گردید. بر اساس نظریه نسل تاریخی *مانهایم*، می‌توان گفت: تغییرات اجتماعی فرهنگی، به واسطه ایجاد تجربیات متفاوت در زندگی دو نسل زمینه‌ساز تفاوت نسلی در ایران است. همچنین، برگر استدلال می‌کند که تکثرگرایی در دوران مدرن و همچنین فرایندهای عقلانیت در دوران مدرن، با غیردینی شدن و تضعیف مقبولیت تعاریف دینی از واقعیت مرتبط است. او همچنین استدلال می‌کند: توسعه نهادهای مدرن در جوامع در حال توسعه و آگاهی‌های همراه با نهادهای مدرن سطح و شیوه دینداری افراد را نیز تغییر می‌دهد. بنابراین، در جامعه در حال گذار ایران، از آنجاکه جوانان در مقایسه با نسل بزرگسال به دلیل ویژگی‌های زیستی و اجتماعی خود، بیشتر در معرض تجربه مدرنیته و زیست جهان‌های اجتماعی گوناگون و رؤیاریوی با نهادهای

یافته‌های استنباطی مربوط به فرضیات رابطه‌ای تحقیق، در جدول ۴ گزارش شده است. مقدار ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی‌داری به دست آمده نشان می‌دهد که بین اجتماعی کردن دینی و تفاوت نسلی و نیز بین توافق دینی والدین و تفاوت نسلی، از حیث دینداری رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیات ۴ و ۵ تحقیق نیز تأیید گردید. اما نتایج برای رابطه بین اهمیت دینداری برای پدر و تفاوت نسلی نشان می‌دهد که این رابطه، به‌طورکلی و برای خانواده‌های غیرروحانی معنادار است، ولی برای خانواده‌های روحانی، با توجه به سطح معناداری آن معنادار نیست. بنابراین، فرضیه ۶ به گونه جزئی تأیید گردید. تفاوت نسلی قوی‌ترین رابطه را در خانواده‌های روحانی، با توافق دینی والدین و در خانواده‌های غیرروحانی، با اهمیت دینداری برای پدر دارد. جهت رابطه نیز نشان می‌دهد جهت تغییرات دو متغیر، مخالف یکدیگر می‌باشد.

جدول ۵. آزمون فرضیات رابطه‌ای تحقیق به صورت کلی و به تفکیک خانواده

فرضیات رابطه‌ای	روحانی		غیرروحانی		کل	
	sig	R	sig	R	sig	R
(۴) اجتماعی کردن دینی و تفاوت نسلی	۰/۲۸۶**	۰/۰۰۱	۰/۲۰۲**	۰/۰۰۱	۰/۲۲۵**	۰/۰۰۰
(۵) توافق دینی والدین و تفاوت نسلی	۰/۳۸۰**	۰/۰۰۰	۰/۲۳۰**	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶**	۰/۰۰۰
(۶) ادراک از اهمیت دینداری برای پدر و تفاوت نسلی	۰/۰۸۷	۰/۳۲۴	۰/۲۳۴**	۰/۰۰۰	۰/۱۶۴**	۰/۰۰۱

مدل رگرسیونی تفاوت نسلی بر اساس متغیرهای پیش‌بین

با توجه به وجود همبستگی معنی‌دار میان متغیرهای مستقل تحقیق و تفاوت نسلی از حیث دینداری، برای تعیین سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین تغییرات تفاوت نسلی، به تفکیک خانواده، از مدل رگرسیونی گام به گام استفاده شده است. اجرای مدل رگرسیونی، در خانواده‌های روحانی نشان می‌دهد که تنها متغیر توافق دینی والدین، سهم معناداری در تبیین تغییرات تفاوت نسلی را در این خانواده‌ها دارد. اثر توافق دینی والدین، بر تفاوت نسلی ۰/۳۸۰- است. ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد که این متغیر ۰/۱۳۸، تغییرات تفاوت نسلی در این خانواده‌ها را تبیین می‌کند. با توجه به مقدار F و سطح معناداری آن، می‌توان گفت: مدل توانایی پیش‌بینی و تبیین واریانس تفاوت نسلی را دارد.

جدول ۶. مدل پیش‌بینی تفاوت نسلی از حیث دینداری بر اساس متغیرهای مستقل برای خانواده‌های روحانی

مدل	متغیر	B	Beta	sig	R	R2	R2adjusted	F	sig
(۱)	توافق دینی والدین	-۰/۹۹۸	-۰/۳۸۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰	۰/۱۴۴	۰/۱۳۸	۲۱/۶۰۷	۰/۰۰۰

مدرن مانند دانشگاه هستند، می‌توان انتظار داشت که نسل فرزندان، در مقایسه با نسل بزرگسال، اهتمام دینی کمتری داشته باشند. نتایج این تحقیق، همانند مطالعات انجام شده در ایران (معیدفر، ۱۳۸۳؛ طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۸۹؛ ربانی و صفائی‌نژاد، ۱۳۸۴)، از چنین نظریه‌ای حمایت می‌کند.

مقایسه وضعیت تفاوت نسلی در بین خانواده‌های روحانی و غیرروحانی و همچنین، مقایسه دینداری فرزندان در خانواده‌های روحانی و غیرروحانی، از دیگر فرضیه‌های تفاوتی تأیید شده این تحقیق بود. نتایج به دست آمده با نظریه ضدعرفی شدن برگر و تئوری توافق بین نسلی گودنو، قابل تبیین است. بر اساس نظریه ضدعرفی شدن برگر، می‌توان گفت: روحانیون به لحاظ ویژگی‌های شغلی و زیست اجتماعی خود، اهمیت خاصی به دین سنتی (اهمیت دادن به تمام ابعاد دینداری) می‌دهند. اساساً هدف اصلی حوزه‌های علمیه و نقش روحانیون، به عنوان کنشگران اصلی این میدان، تفسیر و تبلیغ رسمی دین سنتی در بین افراد جامعه است. روحانیون، بازیگران اصلی نهادهای ریشه‌دار دینی هستند و کارکرد آنها، حفظ سنت دینی، آموزش و تبلیغ معارف دینی است. براین اساس، انتظار می‌رود که روحانیون به عنوان مدافعان دین سنتی، میزان دینداری بالاتری نسبت به غیرروحانیون داشته باشد. همچنین، نگرش منفی‌تری نسبت به عرفی شدن در سطح فردی و اجتماعی داشته باشند. همین نگرش می‌تواند در اهمیت دادن آنان به دینداری فرزندان و جامعه‌پذیری دینی آنها جلوه‌گر شود. طبق نظر گودنو، پذیرش اعتقادات والدین با فهم فرزندان از میزانی که والدین می‌خواهند فرزندان در ارزش‌هایشان با آنها سهیم باشند، مرتبط است.

همسو با این نتایج، نیلسن (۱۹۸۶)، نشان می‌دهد برگشتگی از دین در بین فرزندان فرقه‌های لیبرال پروتستان، بیشتر از گروه‌های محافظه‌کار پروتستان رخ می‌دهد. نتایج تحقیق هانسبرگر و براون (۱۹۸۴)، نشان می‌دهد پاسخ‌گویی که در دوران کودکی‌شان در خانه تأکید شدیدی بر دین وجود داشته‌اند، احتمال بیشتری دارد که در آینده زیر چتر مذهبی دوران کودکی‌شان بمانند. درحالی‌که کسانی که تأکید کمی را در این رابطه گزارش کرده‌اند، به احتمال بیشتر از دین بر می‌گردند.

متغیرهای اجتماعی کردن دینی، توافق دینی والدین و ادراک فرزندان از اهمیت دینداری برای پدر، از مؤلفه‌های دینی خانوادگی بود که با تفاوت نسلی رابطه داشتند. استدلال گودنو این است که استراتژی‌های مراوده بر صحت و درستی ادراک فرزندان، از عقاید و ارزش‌های والدینشان و پذیرش آنها مؤثرند. در ارتباط با اجتماعی کردن، فرض ما نیز این بود که توضیح و آموزش بیشتر توسط والدین، درباره جنبه‌های مختلف دینداری و ایمانشان و نیز اعتقاد

والدین، به لزوم نظارت بر ایجاد و شکل‌گیری تفکرات و اعمال مذهبی در فرزندان و اهمیت دادن آنان به همنوایی و همراهی فرزندان، با اعتقادات و اعمال دینی‌شان موجب درک و پذیرش این اعتقادات و اعمال می‌شود.

درخصوص توافق دینی والدین می‌توان گفت: توافق دینی پدر و مادر، موجب افزایش فراوانی پیام‌های والدینی (ارزش‌ها و هنجارها)، به فرزندان در زمینه دینداری می‌شود؛ چرا که در صورت توافق والدین، حجم پیام واحد به صورت تراکمی افزایش می‌یابد. فراوانی پیام نیز بر وضوح پیامی که فرزندان دریافت می‌کنند، مؤثر است. این خود موجب درونی کردن ارزش‌های دینی والدین و کاهش تفاوت نسلی می‌گردد. همچنین، درخصوص رابطه ادراک از اهمیت دینداری برای پدر و تفاوت نسلی، استدلال ما این بود که چینی و عرضه پیام‌های والدین به فرزندان، به لحاظ اهمیتی که برای والدین دارند، متفاوت است و احتمالاً فرزندان به آن پیام‌هایی توجه می‌کنند که به نظر می‌رسد برای والدینشان مهم‌تر است.

بنابراین، همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهند، علی‌رغم وجود تفاوت نسلی از حیث دینداری که می‌تواند ناشی از تغییر و تحولات کلان ساختاری و تجربه زیسته متفاوت دو نسل در جریان گذار جامعه ایران از مرحله سنتی به مدرن باشد، همچنان که نهاد خانواده، به عنوان پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگی‌های مشخص فرهنگی و وسیله انتقال این ویژگی‌ها به نسل‌های بعدی، با کارکرد درست خود، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال فرهنگ دینی نسل قدیم به نسل جدید داشته باشد.

- کامرانی، کاوش، ۱۳۸۹، *دانشجو در پهنه تعارضات خانواده و دانشگاه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- معیدفر، سعید، ۱۳۸۳، «شکاف نسلی یا گسستگی فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴، ص ۵۵-۸۰.
- موحد، مجید و محمدتقی عباسی شوازی، ۱۳۸۵، «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج»، *مطالعات زنان*، سال چهارم، ش ۱، ص ۶۷-۹۹.
- میرزا محمدی، محمدحسن و علی صحبت‌لو، ۱۳۸۶، «تبیین اهداف مشترک حوزه و دانشگاه»، *دانشگاه اسلامی*، سال یازدهم، ش ۳، ص ۴۳-۷۶.
- یوسفی، نریمان ۱۳۸۳، *شکاف بین نسل‌ها، بررسی نظری و تجربی*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Bader, C. D, et al, 2006, Do as I say and as I do: the effect of consistent parental beliefs and behavior upon religious transmission, *Sociology of religion*, v. 67, No. 3, p. 313-329.
- Day, R. D, et al, 2009, Family processes and adolescent religiosity and religious practice: View from the NLSY97, *Mrrriage & Family Review*, v. 45 (2), p. 289-309.
- Flor, Douglas. L, et al, 2001, Transmission and transaction: predicting adolescents internalization of parental religious values, *Journal of Family psychology*, v. 15(4), p. 627-643.
- Goodnow, J. J, 1992, *Parents' ideas, children's ideas: Correspondence and divergence*. In I. E. Sigel. a.v.McGillicuddy-DeLisi, & J.J.Goodnow (Eds.), Parental belief systems: The psychological consequences for children. 2nd ed, p. 293-317.
- Grusec, J. E, & Goodnow, J. J, 1994, Impact of parental discipline methods on the child's internalizationof values: A reconceptualization of current points of view, *Developmental Psychology*, v. 30 (1), p. 4-19.
- Hoge, D. R, et al, 1982, Transmission of Religious and Social Values from Parents to Teenage Children, *Journal of Marriage and Family*, v. 44, No. 3, p. 569-580.
- Hunsberger, B, & Brown, L. B, 1984, Religious Socialization , Apostasy, and the Impact of Family background, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 23, No. 3, p. 239-251.
- Myers, S. M, 1996, An Interactive Model of Religiosity Inheritance: The Importance of Family context, *American Sociological Review*, v. 61, No. 5, p. 858-866.
- Nelsen, H. M, 1981, Religious Conformity in an Age of Disbelief: Contextual Effects of Time, denomination, and Family Processes Upon Church Decline and Apostasy, *American Sociological Review*, v. 46, No. 5, p. 632-640.
- Okagaki, L, et al, 1999, Socialization of Religious Beliefs, *Journal of applied Developmental Psychology*, v. 20(2), p. 273-294.
- Sherkat, D, 2003, *Religious Socialization: Sources of Influence and Influences of Agency*. In the handbook of the Sociology of Religion. Edited by Michele Dillon, Cambridge University Press 2003.

- آزادارمکی، تقی و غلامرضا غفاری، ۱۳۸۳، *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آزادارمکی، تقی و مریم زارع، ۱۳۸۷، «دانشگاه، مدرنیته و دینداری»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی (ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی)*، ش ۲۸، ص ۱۳۳-۱۶۰.
- آزادارمکی، تقی و مصطفی ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹، «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، *خانواده پژوهی*، سال ششم، ش ۲۳، ص ۲۷۹-۲۹۷.
- آزادارمکی، تقی و همکاران، ۱۳۷۹، «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی»، *نامه علوم اجتماعی*، دور هشتم، ش ۱۶، ص ۳-۲۹.
- اینگلهارت، رونالد، ۱۳۸۲، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر.
- برگر، پیتر و همکاران، ۱۳۸۷، *ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نشر نی.
- برگر، پیتر، ۱۳۸۳، *برخلاف جریان: نقد نظریه سکولار شدن*، ترجمه سیدحسین سراجزاده، تهران، طرح نو.
- توکل، محمد و مریم قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناسی، بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۷، ص ۹۵-۱۲۴.
- چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران، نشر نی.
- ربانی، رسول و فتحیان صفایی‌نژاد، ۱۳۸۴، «فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی، مطالعه موردی شهر دهدشت در سال ۱۳۸۲»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ش ۲، ص ۲۱-۴۰.
- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی‌فرد، ۱۳۸۸، «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، ش ۴، ص ۷-۳۱.
- سراجزاده، سیدحسین و محمد صدیق محمدی، ۱۳۹۰، «مقایسه تجربی معیارهای دینداری از نظر روحانیون و دانشگاهیان»، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۴، ص ۲۵-۵۴.
- سرایبی، حسن، ۱۳۸۵، «تداوم و تغییر خانواده در جریان‌گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۲، ص ۳۷-۶۰.
- سگالن، مارتین، ۱۳۷۵، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
- سلیمانیه، مهدی، ۱۳۹۰، *بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیه قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.
- شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۴، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، سال ششم، ش ۱، ص ۳۴-۶۶.
- طالبان، محمدرضا و مهدی رفیعی‌بهبادی، ۱۳۸۹، «تحولات دینداری بر اساس تفاوت نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، ش ۲، ص ۸۵-۱۱۴.